اخبار

تعطیلی «ابر قهرمانی از نازی‌آباد» به دلیل مشکلات اقتصادی

بهرام عظیمی گفت: در سال‌های اخیر بسیاری از شرکت‌های انیمیشن تعطیل شده‌اند که اصلی‌ترین دلیل این تعطیلی هم مشکلات اقتصادی است. به گزارش نسیم آنلاین، بهرام عظیمی، انیمیشن‌سازی که با انیمیشن‌های «سیاساکتی» شناخته شد، در ۲ سال اخیر به دنبال تولید یک انیمیشن بلند با نام «ابرقهرمانی از نازی‌آباد» بود اما این انیمیشن همچنان در مرحله پیش‌تولید باقی مانده است. عظیمی درباره چرایی این وضعیت گفت: بروز پاره‌ای مشکلات موجب شد تولید این انیمیشن فعلا متوقف شود. اصلی‌ترین مشکل تأمین بودجه بود. ما بنا داشتیم این پروژه را به صورت مشترک با چینی‌ها تولید کنیم و تا اندازه‌ای هم پیش رفتیم اما طولانی شدن پروسه تأمین سرمایه باعث شد اعضای گروه هم پراکنده شوند. بهرام عظیمی با اشاره به مشکلات اقتصادی پیش‌آمده برای انیمیشن‌سازی اظهار داشت: مشکلات مالی همواره برای انیمیشن‌سازان وجود داشته و این مشکلات در چند سال اخیر بیشتر هم شده است. این انیمیشن‌ساز تأکید کرد: وزارت ارشاد و صداوسیما ۲ ارگان اصلی هستند که انیمیشن‌سازان به حمایت آنها نیاز دارند اما این دو ارگان هم در سال‌های اخیر اولویتی مبنی بر حمایت از انیمیشن‌سازان نداشته‌اند.

■■■

برپایی عکس‌های «ایستاده در غبار» در خانه هنرمندان

نمایشگاه عکس‌های سحاب زری‌باف از فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» که با حضور بازیگران شاخص سینما افتتاح شد، این روزها میزبان مخاطبان سینما و هنردوستان در خانه هنرمندان است. در نمایشگاه عکس «ایستاده در غبار»، یادداشتی از محمدحسین مهدویان برای عکس‌های سحاب زری‌باف از فیلمش نیز دیده می‌شود. در میان عکس‌های زیبا و باشکوهی که سحاب زری‌باف از صحنه‌های فیلم «ایستاده در غبار» گرفته، عکس‌هایی هم هست که آنها را با یک دوربین قدیمی روی نگاتیو ثبت کرده است. میزانسن‌ها و چینش این عکس‌ها کار خود سحاب است و خیلی ربطی به میزانس‌های فیلم ندارد. نمایشگاه عکس‌های فیلم «ایستاده در غبار» تا ۲ تیرماه از ساعت ۱۴ تا ۲۰ پذیرای علاقه‌مندان است. همچنین www.istadehdarghobar.ir آدرس سایت رسمی این فیلم سینمایی است.

■■■

مجتبی راعی:

پول نداشتیم درباره مولانا فیلم بسازیم

مجتبی راعی که از مدت‌ها پیش تصمیم داشت فیلمی درباره مولانا بسازد، گفت: ما پول نداشتیم درباره مولانا فیلم بسازیم اما دیگران پول دارند و می‌سازند. به گزارش ایسنا، راعی که چندی پیش تصمیم داشت فیلم «طاووس مست» را درباره مولانا بسازد، درباره دلایل ساخته نشدن این فیلم تصریح کرد: ما پول نداشتیم که مشارکت کنیم در حالی که قونیه (ترکیه) پول داشت و حالا هم هالیوود سرمایه خوبی از قونیه خواهد گرفت، البته ما هم می‌توانستیم این سرمایه را بگیریم اما چنین نشد. وی در پاسخ به این پرسش که آزادی عمل فیلمسازان درباره پرداختن به شخصیت مولانا چگونه است؟ توضیح داد: واقعیت به خودی خود معیار نیست بلکه مهم دیدگاهی است که ما برای نگریستن به آن واقعیت پیدا می‌کنیم. دیدگاه‌های مختلف است که ارزش اثر هنری را می‌سازد. راعی خاطرنشان کرد: درباره فیلم مولانا هم مهم این است که آنها با چه نگاهی به این کاراکتر می‌پردازند و نشان دادن رابطه آزاد زن و مرد درباره چنین اثری، امتیاز به حساب نمی‌آید.

■■■

«عقیق» سریال محرمی تلویزیون شد

حامد عنقا نویسندگی سریال «عقیق» را در مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی رسانه ملی برعهده گرفت. به گزارش تسنیم، نگارش سریال محرمی «عقیق» که طرح آن توسط سعید نعمت‌الله به رشته تحریر درآمده است به حامد عنقا سپرده شد. سریال «عقیق» که مرحله نگارش فیلمنامه آن آغاز شده است، برهه‌ای از تاریخ معاصر کشور طی سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ را روایت می‌کند. در این دوران به دستور رضاخان که به سلطنت رسیده است، ممنوعیت‌هایی برای عزاداری‌های مذهبی از طریق بستن تکایا و هیات‌ها و تجمعات عزاداران امام حسین(ع) ایجاد شد و وی درصدد مقابله با عزاداری برآمد. سریال «عقیق» به قلم حامد عنقا براساس طرحی از سعید نعمت‌الله به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی در ۱۴ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای در مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی رسانه ملی به نگارش درمی‌آید.

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت شاعر نامدار حمید سبزواری

وفادارانه در کنار انقلاب ماند

گروه فرهنگ و هنر: در پی درگذشت حمید سبزواری، شاعر گرانقدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب پیام تسلیتی صادر کردند. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسمه‌تعالی

با دریغ و تأسف خبر درگذشت شاعر نامدار معاصر جناب آقای حسین آقا ممتحنی معروف به حمید سبزواری را دریافت کردم. این نام ماندگار و پرافتخار، یادآور تلاش ارزنده هنرمندی سختکوش و شجاع در پشتیبانی از انقلاب در عرصه شعر و ادب است. حمید سبزواری، صریح و ثابت‌قدم و موقع‌شناس، هنر والا و فاخر خود را به خدمت گرفت تا انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن را از جنبه اثرگذار شعر روان و جذاب، تغذیه و تأمین کند. سرودها و منظومه‌های بلند و غزل‌ها و قصیده‌های خوش‌ساخت و پرمضمون او، ثروت ادبی درخوری را تقدیم انقلاب کرد. با انقلاب زیست و برای اسلام و انقلاب سرود و وفادارانه در کنار انقلاب ماند. رحمت و رضوان خدا نصیب او باد. مصیبت درگذشت او را به خاندان گرامی و همه دوستداران بویژه همشهریان قدردان سبزواریش تسلیت عرض می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۳ خرداد ماه

■ **در مسیر سبزواری‌ها**

حمید سبزواری بامداد شنبه ۲۲ خردادماه دریادلانه راهی به مقصد ابدی یافت؛ آنگاه که «طبل رحیل از آسمان» شنیده شد. استاد حمید سبزواری با سروده‌هایی گرانقدر جریان‌ساز جنبشی در شعر انقلاب اسلامی بود و سروده‌هایش تا همیشه در یادها جوانه خواهد زد. از آثار حمید سبزواری می‌توان به دیوان اشعار، کاروان سپیده، یاد یاران، سرود درد، گزیده ادبیات معاصر و سرود سپیده اشاره کرد. این شاعر گرانقدر که شعر انقلاب مدیون اوست، زندگی و مرگش از جنس عاشقی بود و به گواه شاعران و دوستان همراه، شعرش همرنگ روحش زیبا بود و بلندبالا و این عشق و سبزینگی از سبزواری در گذر از ۹۰ سالگی همچنان جوانی عاشق‌پیشه در مواجهه با جوانان شاعر می‌ساخت تا از معرکه اشتیاق راهی به سرای کشف واژه‌ها بجویند و این مسیر «سبزواری‌ها» همچنان پس از مرگش با تجلیل نگاهش و با پشتکار دوستدارانش ادامه خواهد داشت. سخنان همیشه ارزشمند مقام معظم رهبری درباره شخصیت والای این شاعر گرانقدر مصداق بارزی از این تعاریف است که آقا در دیدار با اعضای ستاد نکوداشت استاد حمید سبزواری در سال ۱۳۹۱ فرمودند: «تجلیل از آقای حمید سبزواری کار بسیار شایسته‌ای است. هر کسی که این به ذهنش رسیده و مطرح کرده و هر کس که این کار را دنبال می‌کند بداند که کار بسیار خوب و مناسب و لازمی را دارد انجام می‌دهد.»

■ **مراسم تشییع و تدفین استاد در سبزوار**

قرار است دوشنبه (امروز) ساعت ۱۰ صبح پیکر گرانقدر شاعر ماندگار انقلاب توسط دوستداران از حوزه هنری تا تالار وحدت تشییع شود و طبق برنامه‌ریزی ستاد ارتحال استاد حمید سبزواری، سپس پیکر استاد سبزواری طی مراسمی دیگر ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۲۶ خردادماه از محل مسجد جامع سبزوار تشییع خواهد شد که این مراسم تا محل آرامگاه حکیم حاج ملاهادی سبزواری ادامه می‌یابد تا پیکر استاد در پارک بهمن سبزوار به خاک سپرده شود. کاظم کرامت این خبر را در نشست ستاد ارتحال استاد حمید سبزواری عنوان داشت که با توجه به موافقت خانواده مرحوم استاد سبزواری و تصویب اعضای ستاد ارتحال، پیکر ایشان در محل پارک بهمن سبزوار به خاک سپرده می‌شود. وی با بیان اینکه منزل کودکی استاد دارای مشکلات مختلفی برای خاکسپاری بود، تصریح کرد: وضعیت فعلی بنا و نامناسب بودن آن مهم‌ترین دلیل تدفین استاد در محل دیگری بود. وی با اشاره به مصوبه ستاد ارتحال استاد سبزواری در زمینه مرمت و بهسازی منزل ایشان نیز گفت: «در همین زمینه مصوب شد تا با همکاری سایر ادارات شهرستان، استان و وزارتخانه‌های مرتبط اقدامات زیربنایی برای مرمت و بهسازی این مکان انجام شود تا بتوانیم موزه و فرهنگسرایی را برای شاعران و جوانان علاقه‌مند به ایشان و حوزه شعر انقلاب ایجاد کنیم و در حال مکاتبه با شورای انقلاب فرهنگی برای نامگذاری روز ارتحال استاد به نام روز شعر انقلاب هستیم».

■ **یک نامگذاری به یاد استاد**

شورای اسلامی شهر تهران با نامگذاری یکی از معابر یا بناهای شاخص شهر تهران به نام استاد حمید سبزواری موافقت کرد و مقرر شد کمیته نامگذاری شورا و شهرداری تهران نسبت به نامگذاری یکی از خیابان‌های شهر تهران اقدام کند. استاد حمید سبزواری امروز در میان خیل عظیم دلدادگان به شکوه انقلاب اسلامی و همرزمان مبارزه با طاغوت‌های دوران در خاک آرمیده خواهد شد اما روحش بسیار زودتر از اینها راه آرامش را جسته بود، چرا که موذن انقلاب را باید در میان گلستان معنا جست و زمین جایی برای زیستن قدسیان نیست. همو که سال‌ها پیش نوشته بود: «تنگ است ما را خانه، تنگ است ای برادر» و سبزواری «منزل به منزل رفت باید تا سحرگاه» و باید دانست که «ما را گریزی جز که آهنگ سفر نیست».

نگاه

هنگامه؛ عاشقانه‌های شهدای مدافع حرم

فضه سادات‌حسینی*: همیشه اولین‌ها ماندگارترند. کارشان سخت است اما در عوض نام‌شان باقی است. حالا اگر این اولین بودن، با یک سوژه و ایده ناب توأم باشد و یک کار خوب و باکیفیت، قطعاً نام‌آورتر خواهد بود و در ذهن‌ها ماندگارتر. در مقوله فیلم هم اگرچه نحوه پرداخت، بازی عوامل، کارگردانی، تدوین و بسیاری مسائل دیگر مهم است اما سوژه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این روزها که همه‌جا و در هر محفلی صحبت از شهدای مدافع حرم است، قطعاً جای خالی این ژانر در سینما بشدت محسوس است؛ بویژه در سینمای متعهد و انقلابی. ۶ سال از جنگ سوریه می‌گذرد. حداقل هم ۲ سالی است که بحث شهدای مدافع حرم به‌صورت جدی در جامعه مطرح شده و از سال گذشته نیز در محافل مختلف از این بزرگمردانِ و خانواده‌های‌شان، نام برده و تقدیر شده است. قطعاً وجود برنامه‌های مختلف و پرداخت رسانه‌ای به این پدیده، باعث آشنایی بیشتر مردم و شکستن گاردها و تخریب باورهای غلط در این زمینه می‌شود و این تجربه‌ای است که به‌وضوح درک شده و نمونه عینی آن که آغازگر پرداخت تلویزیونی به این ژانر بود، مستند ملازمان حرم است که از شبکه افق سیما پخش می‌شود. در این برنامه با ورود به زندگی شهدای مدافع حرم و گفت‌وگوهای خودمانی با همسران‌شان، پاسخ بسیاری از شبهات مختلف درباره این مظلومان مقتدر داده شد؛ بویژه لزوم و فلسفه مبارزه در آن سوی مرزها و نیز مادی نبودن هدف رزمندگان و رد این شبهه که آنها در قبال دریافت پول‌های کلان، چنین مخاطره‌ای را می‌پذیرند و جان‌شان را تقدیم می‌کنند؛ قضیه‌ای که خانواده‌های این شهدا را بشدت آزار می‌داد. اما هر هنری مخاطب خاص خودش را دارد. تلویزیون به‌عنوان آغازگر، با برنامه‌های مختلف تولیدی، مستند و گفت‌وگو، خوب به این مساله پرداخت و انصافاً هم در روشنگری جامعه و اصلاح نظرات، بسیار مؤثر بود. پس از آن نیز نماهنگ‌های متعدد و مداحی‌های زیبایی در رثای شهدای مدافع حرم سروده و اجرا شد. کم‌کم مطالبات بالا گرفت و حالا داستان و تاریخ شفاهی نیز به این عرصه وارد شد؛ از جمله کتاب خاطرات و وصیتنامه‌ها اما جدیدترین اتفاق در این عرصه، ورود هنر هفتم به مقوله شهدای مدافع حرم بود، آن هم با فیلمی از جشنواره مردمی عمار. «هنگامه» نخستین فیلم داستانی در ژانر شهدای مدافع حرم، به مدت ۴۰ دقیقه با بازی خوب و قابل‌پذیرش سوگل طهماسبی و امین ایمانی و کارگردانی امیر داسارگر. انتخاب بازیگر در این فیلم، قابل تحسین است و مخاطب با ایشان ارتباط خوبی برقرار می‌کند؛ هم به لحاظ معصومیت چهره و هماهنگی با نقش و هم به لحاظ بازی روان و اثرگذار. هنگامه زن جوانی است عاشق که در دوراهی یک تصمیم بسیار مهم گیر افتاده است؛ فرصت‌یابی و نگرانی او در بخش عمده‌ای از فیلم برای اینکه مهم‌ترین خبر زندگی خود را به همسرش بدهد، دلشوره او را مضاعف کرده است. از آن سو حامد عاشق‌پیشه نیز سرگردان بر سر یک دوراهی است؛ ماندن و رفتن. همسر و زندگی و دنیا این سو و تکلیف و مسؤولیت و آخرت، سوی دیگر. داستان فیلم، رابطه عاشقانه این زوج است در بستر زندگی روزمره. یک صبح تا شب و تحولی که رخ می‌دهد و تصمیم مهمی که

گرفته می‌شود. روایت یک زن عاشق که دانشجوی پزشکی است و بتازگی مادر شده و هنوز خبر این اتفاق مهم را به همسرش نداده است؛ همسری که از علوم پزشکی انصراف داده و به سپاه پاسداران پیوسته است. فیلم «هنگامه» حاوی این پیام مهم است که برخلاف شایعات مرسوم، رزمندگان ما از زندگی دست نشسته و اتفاقاً عاشق همسر و زندگی‌شان هستند و اغلب مشکل مادی هم ندارند اما به خدایی اعتقاد دارند که زندگی‌شان را به او می‌سپارند. حامد البته شاید نمونه مردانی باشد که این روزها تعدادشان کم شده است؛ صبح همسر را برای امتحان به دانشگاه می‌برد و بعد در غیاب او تمام کارهای خانه را انجام می‌دهد؛ از جارو کشیدن و شستن ظرف‌ها تا پخت غذا. البته شاید می‌خواهد برای سفرش زمینه‌سازی کند، چراکه امروز به او خبر داده‌اند شب باید پرواز کند و مأموریتش قطعی شده است. تفاوت سبک زندگی آدم‌ها، حتی آدم‌های اطراف و دوست و نزدیک، از دیگر بخش‌هایی است که در این فیلم نیمه‌بلند به تصویر کشیده شده است؛ درحالی که حامد و هنگامه آرمان و مقصدی آن دنیایی دارند، دوست هنگامه که به علت خرابی خودرو در نیمه راه دانشگاه به آنها می‌پیوندد، در حال برنامه‌ریزی برای ازدواج و رفتن از ایران و مسافرت شمال است و این یعنی به تصویرکشیدن تفاوت دنیاهای جوانان همسن و سال؛ یکی برای آرمان و کشورش حاضر است همه چیز را رها و خارج از مرزها دفاع کند و دیگری به دنبال رفتن از مملکت برای پیشرفت مادی. حرف‌های صمیمانه و محبت‌آمیز و نگاه‌های عاشق و البته پر از دلنگرانی و شوخی‌های این زوج از جمله ماجرای کارت دانشجویی نیز تصویر زندگی آرمانی و به نوعی سبک زندگی اسلامی-ایرانی است و دوست‌داشتنی‌ترشان می‌کند. وابستگی حامد به فرزند و همسر تا آنجا است که به محض اینکه خبر پدرشدنش را می‌شنود، بی‌تاب با تمام مشغله‌هایش، برای نوزاد در راهش، هدیه می‌خرد. البته از والدین هم غفلت نمی‌کند و سراغ پدر می‌رود برای خداحافظی. در ابتدای فیلم از همان افتادن گلدان و شکستنش و بریدن دست هنگامه در اول صبح که حال اضطراب و ناراحتی را القا می‌کند، تا شب که هنگامه آرام می‌شود، معلوم نیست چه رخ می‌دهد که تصمیم او را عوض کرده و رضایت می‌دهد. البته خبر شهادت دوست نزدیک حامد و رفتن هنگامه بر سر مزار او و دیدار با همسر و فرزند شهید و اشتیاق زایدالوصف حامد برای رفتن، همه دست به دست هم می‌دهد تا هنگامه به‌رغم فشاری که تحمل می‌کند و کارش به بیمارستان می‌کشد، تصمیم نهایی و سرنوشت‌سازش را بگیرد و شب‌هنگام، راننده خودرویی باشد که همسر را به مقصد سوریه به فرودگاه می‌رساند و پایانی که قاعدتاً با توجه به حس و حال فیلم، شهادت حامد خواهد بود؛ البته ممکن است بازگردد... این فیلم با همه نکات مثبت و منفی آن، تنها و البته با کمی تأخیر، آغازگر یک راه است؛ راهی برای شناساندن این مردان مرد و نزدیک‌شدن به شخصیت‌های والایشان و الگوگیری از راه و زندگی‌شان. قطعاً این عزیزان بویژه برای نسل امروز، الگوهای دست‌یافتنی‌تر و قابل درک‌تری هستند؛ فقط هنرمندان و دغدغه‌مندان باید شتاب کنند! فرصت، امروز مهیاست.

***دانشجوی دکترای حقوق زن در اسلام، دبیر و گوینده خبر شبکه یک سیما**

فیلم کوتاه

«ولد» در جشنواره «اوپن فیلم» بنگلادش

ولد، فرزند رها

«ولد» به جشنواره «اوپن فیلم» بنگلادش راه یافت. به گزارش «وطن امروز» فیلم کوتاه «ولد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی به جشنواره بین‌المللی «اوپن فیلم» بنگلادش راه یافت. «ولد» به زبان عربی و تهیه شده در باشگاه فیلم سوره و روایت سرنوشت یک میهمان تازه در بیمارستان کوچکی در شهر غزه است که زیر بمباران هربار قسمتی از این بیمارستان خراب می‌شود. قصه‌ای کوتاه از یک جدال مادرانه با بمب‌های کودک‌کش. «ولد» در آخرین حضور بین‌المللی خود توانسته بود عنوان بهترین فیلم کوتاه اجتماعی جشنواره فیلم تراسه سینماتوگرافیک ایتالیا را کسب کند. عوامل فیلم «ولد» عبارتند از نویسنده و کارگردان امیرعباس ربیعی، تهیه‌کننده محمدرضا شفاه، تصویربردار هاشم مرادی، صدابردار مهرداد جلوخانی، بازیگران اکرم نجفی، حسین دریس، خالد الطنجی، محمد خلیلی، احمد ابوسمره، فاطمه سلیمانی، محصول باشگاه فیلم سوره حوزه هنری. گفتنی است، ۱۷ فیلم کوتاه، مستند، انیمیشن، سینمایی و فیلمنامه ایرانی در نخستین جشنواره بین‌المللی «اوپن فیلم» بنگلادش حضور دارند. این جشنواره ۱۰ تا ۱۴ ژوئن برگزار می‌شود.

محسن شهمیرزادی: قاعده، تکرر می‌آورد و هر آنچه به لباس تنگ قاعده محدود شد، دیگر حرف‌هایش تکراری و راه‌های بیان بسته خواهد شد، حال آنکه اگر سینما، سینما باشد وظیفه‌اش رسیدن به عمق محتوا با شکستن ظواهر سطحی است و به قواعد ظاهری ژانرهای متحجر پشت پا می‌زند. سی و خرده‌ای سال می‌شود که سینماگران، فشل بودن سینما و ناکارآمدی آن را برگردن خط قرمزهای اخلاقی و فقدان خشونت و سکس در فیلم‌ها می‌اندازند، و در همین مدت خلاقیت‌های فرمی و سوژه‌های ناب محتوایی را به دور انداخته یا شاهد فیلم‌های روشنفکرنمایی هستیم که مخاطب را لاشعور در درک فیلم خود می‌داند یا تنها به ترس عدم فروش قدم در جاپای پرفروش‌های بی‌خطر ژانر پوپک و مش‌ماشاءالله گذاشته‌اند، هرچند این جزم‌گرایی و مطلق‌گرایی از انصاف به دور است اما قاعده سینمای ایران جز این فریاد نمی‌زند و پاشنه در این سینما جز بر عناصر خیانت، دروغ‌های جذاب و هجوهای بازیگرمحور نمی‌چرخد. سازندگان «ولد» به جای نگاه به دیگران، خود را نگاه کرده‌اند. نمی‌توان از این فیلم چنددقیقه‌ای تفاسیر گوناگون یافت که همه چیز مبرهن است و چه‌بسا از نظر محتوا نسبت به بسیاری از دیگر فیلم‌های حاضر تهی‌تر باشد. ولد یک ایده کاملا جدید و دست نخورده نبود که از نگاه دوربین «POV» به وقایع بنگریم، ولد حتی دعوی فلسفی و علمی نیز ندارد، یک انتقال «حس» است، انتقال حس به دنیا آمدن نوزاد در میانه جنگ و کشتار، پدید آمدن امید در میانه تاخت‌وتاز ناامیدی، همین یک سوژه بی‌بال و پر از نگاه یک کارگردان خوش‌ذوق دقایقی بیننده را مقابل صفحه تلویزیون میخکوب می‌کند، لحظه‌هایی که ممکن است هیچ چیزی از مکالمات رد و بدل شده نفهمیم و اگرچه بازیگران به عربی تکلم می‌کنند اما فیلم به زبان بین‌المللی «تصویر» مجهز است و بدون زیرنویس نیز با دانستن زبان «درد» می‌توان پای فیلم نشست.

ولد یک ویژگی بارز دارد و آن بی‌واسطگی‌اش است، جایی که هیچ واسطه‌ای بین نگاه زنِ گیرافتاده زیر آوار و بیننده نیست، دوربینی وجود ندارد، مخاطب اکنون در یکی از بیمارستان‌های غزه است و در حالی که بمب‌ها بر اطراف کوبیده می‌شوند و هر لحظه ممکن است ساختمان به کلی فرو بریزد پرستارانی گرداگرد مخاطب مدام در حال دویدن و امید دادن هستند و مخاطب تنها از یک چیز کمابیش ناآگاه است و آن هم تعلیق فیلم یا همان باردار بودن شخصیت اصلی است که در لحظات آخر با صدای نوزاد گره‌گشایی می‌شود.

اگرچه ایده‌ای بکر می‌تواند همه نگاه‌ها را از سوی علاقه‌مندان به خود جذب کند اما در هرکاری، بین ایده ذهنی تا اجرای آن، فرسنگ‌ها فاصله است، طبیعتا اگر همین ایده به هنرمندی کارگردان آمیخته نمی‌شد و طراحی صحنه و جزئیات صوتی و نقش‌آفرینی بازیگران به دقت به‌کار نمی‌رفت شاهد یک فیلم نابسامان و آزاردهنده بودیم، ولد قصد تسخیر جهان و حسینیه کردن کاخ سفید را ندارد، بازنمایی یک رویداد ناب در میان جنگی است که همه از کشتارهایش سخن می‌گویند. برجستگی ولد علاوه بر فرم جذاب و خاص خود، سخن گفتن از یک اتفاق به ظاهر جزئی اما پرمفهوم است، در نگاه امیدبخشی است که شاید در اکثر هنرمندان ضدجنگ ما دیده نمی‌شود.

رویدادها

عبدالله باکیده:

همه را به تماشای «ایستاده در غبار» توصیه می‌کنم

عبدالله باکیده، کارگردان سریال «تبردی دیگر» که این روزها پس از مدت‌ها از شبکه «آی فیلم» پخش می‌شود، درباره آثار جوانانی مانند مهدویان گفت: در میان کارگردانان جوان هنوز کسانی هستند که بتوانند تصویر درستی از دفاع‌مقدس نشان دهند و من تمام مخاطبان را دعوت می‌کنم فیلم «ایستاد در غبار» را مشاهده کنند. این کارگردان آثار دفاع‌مقدسی درباره بازپخش سریال «تبردی دیگر» عنوان کرد: این سریال اولین مجموعه‌ای بود که مشکلات بچه‌های دفاع‌مقدس را در دوران اسارت و دلشوره‌هایشان را نشان داد. من برای ساخت این سریال نزد مرحوم حاج آقا ابوترابی رفتم، ایشان هم با ساخت این فیلم موافقت کردند و یکسری مدارک و اطلاعاتی درباره آن در اختیار ما قرار دادند. کارگردان فیلم «پوتین» افزود: نگارش فیلمنامه این سریال را از اول ماه رمضان سال ۷۳ آغاز کردم و سحر روز نوزدهم ماه رمضان بود که آخرین سکانس آن را نوشتم. در عرض ۱۹ روز نگارش کل فیلمنامه تمام شد ولی حدود ۶ ماه تحقیقات قبل از شروع نگارش فیلمنامه انجام شده بود. باکیده درباره آثار دفاع‌مقدسی اظهار داشت: هر زمانی که سینمای دفاع‌مقدس به سمت شخصیت‌هایی رفته که تا به حال به آنها پرداخته نشده است آن فیلم‌ها بسیار با استقبال روبه‌رو شده و خواهد شد.

■■■

سلیم غفوری مدیر شبکه مستند شد

میرباقری، معاون سیما در حکمی سلیم غفوری را به‌عنوان مدیر شبکه مستند سیما منصوب کرد. معاون سیما در حکم سلیم غفوری، با اشاره به تخصصی بودن شبکه مستند بر لزوم تولید، تأمین و پخش مستند در همه موضوعات در این شبکه تأکید کرد. میرباقری در این حکم مدیر شبکه مستند را به بهره‌گیری از الگوی کارآمد و اثربخش مدیریت پیام و استفاده از نظرات کارشناسان متعهد و خبره در ارتقای کیفی و هنری تولیدات مستند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی کشور، تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی و مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمن و آرایش رسانه‌ای نظام سلطه توصیه کرده است. وی در بخشی از حکم خود بر تولید مستندهای فاخر بویژه مستندهایی که روایتگر تاریخ بزرگ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هستند تأکید کرد. گفتنی است، سیدسلیم غفوری، تهیه‌کننده آثار بسیاری در حوزه مستند و در مرکز فرهنگی میثاق بوده است و از سال ۱۳۹۱ تاکنون مدیر گروه مستند شبکه افق بوده است.

■■■

درگذشت قدیمی‌ترین عکاس سینمای ایران

اصغر بیچاره، قدیمی‌ترین عکاس سینمای ایران شب‌شنبه در روز تولدش درگذشت. وی سال ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد و سال‌ها پیش ضمن عکاسی از آثار سینمایی، در بعضی از آنها هم بازی کرد. او به عنوان یکی از قدیمی‌ترین عکاسان ایران، صاحب گنجینه‌ای خاطره‌انگیز از عکس‌ها بود و در موزه شخصی‌اش دوربین‌هایی از قدیمی‌ترین عکاسان ایران مانند دوربین «ماشاءالله‌خان عکاسباشی» را نگهداری می‌کرد. اصغر بیچاره که از چندی پیش به سرطان حنجره مبتلا و حالش رو به وخامت گذاشته بود، در سن ۸۹ سالگی و در آمریکا درگذشت. پیکر وی پس از انجام تشریفات قانونی به ایران خواهد آمد و در قطعه هنرمندان آرام خواهد گرفت.

■■■

فراخوان دبیرخانه دائمی جایزه و نمایشگاه کتاب مرآت

دبیرخانه دائمی جایزه و نمایشگاه کتاب مرآت در دومین سال فعالیت خود، به منظور تبیین، تعمیق و ترویج فرهنگ اسلامی و ایرانی از پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می‌کند کتاب‌های منتشرشده خود با موضوع «مردم‌سالاری دینی» را تا ۳۰ مهرماه سال جاری به این دبیرخانه به نشانی تهران خیابان مطهری، خیابان سهروردی جنوبی، پلاک ۸۸، واحد ۵ ارسال کنند. همچنین آن دسته از فعالان حوزه نشر که نتوانستند آثار خود با موضوع «سبک زندگی اسلامی و ایرانی» را در این اولین جایزه و نمایشگاه کتاب مرآت شرکت دهند، می‌توانند آثار قلمی و مکتوب خود با موضوع سبک زندگی را تا مهلت تعیین‌شده به این دبیرخانه ارسال کنند. آثار ارسالی می‌تواند به‌صورت مجلد مکتوب یا الکترونیکی بوده و الزامی برای چاپ اول بودن آثار نیست. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن تلفن ۸۸۳۰۳۳۱۱ تماس حاصل فرمایید.